



ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

(۱) (۲) (۳)

دکتر علی نقی منزوی

(۱) مجله خاطرات وحید، سال ششم، اردیبهشت ماه ۱۳۴۸، آوریل ۱۹۶۹، صفر ۱۳۸۹، شماره ۶۵، برگه ۳۶۹ - ۳۷۱
(۲) مجله خاطرات وحید، سال ششم، خرداد ماه ۱۳۴۸، می ۱۹۶۹، ربیع الاول ۱۳۸۹، شماره ۶۶، برگه ۵۰۳ - ۵۱۴
(۳) مجله خاطرات وحید، سال ششم، آذر ماه ۱۳۴۸، نوامبر ۱۹۶۹، رمضان ۱۳۸۹، شماره ۷۲، برگه ۱۰۷۹ - ۱۰۸۳، من
مطبوعات جامعه کالیفرنیا، ۱۱۹ برگه + ۱۲ برگه، عنی بنشره موسی پرلمان

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

ریزگفتار

۱	ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث.....
۱	مقدمه.....
۱	زندگی نامه ابن کمونه.....
۱	مشهورترین آثار او.....
۴	[تنقیح الأبحاث عن الملل الثلاث].....
۴	سبب تألیف کتاب الأبحاث.....
۶	ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث.....
۶	[ابن کمونه و همتایانش].....
۶	ابن کمونه و ابن میمون.....
۶	سموئیل، ابن کمونه، و ماردینی.....
۷	[کتاب تنقیح الأبحاث].....
۷	اسلوب استدلالی کتاب تنقیح.....
۷	اسلوب انشایی.....
۸	نسبت کتاب به ابن کمونه.....
۹	محتویات کتاب.....
۹	دیباچه.....
۹	باب یکم.....
۱۱	باب دوم.....
۱۳	باب سوم.....

۱۳باب چهارم.....
۲۰ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث.....
۲۰[نقد سخن موشه پرلمان].....
۲۰انتساب کتاب تنقیح به ابن کمونه.....
۲۳دیدگاه منزوی.....
۲۵کتابنامه.....
۲۵نمایه کتاب و مقاله.....

دکتر علی نقی
منزوی

(۱) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

(۱) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

مجله خاطرات وحید، سال ششم، اردیبهشت ماه ۱۳۴۸، آپریل ۱۹۶۹، صفر ۱۳۸۹، شماره ۶۵، برگه ۳۶۹ - ۳۷۱

مقدمه

زندگی نامه ابن کمونه

ابن کمونه، [عزالدوله] سعد بن منصور بن [سعد] بن حسن بن هبة الله بن کمونه، فیلسوف در گذشته ۶۸۳ ق / ۱۲۸۴ م را اکثر آشنایان به فلسفه مشرق زمین می شناسند. در یهودی بودن جدش هبة الله شک و تردیدی برای محققان برجای نمانده؛ لیکن خود او در برخی از نوشته هایش گاهی به بی طرفی ظاهر کرده، و زمانی به اسلام گراییده است، بدین سبب گروهی او را مسلمان دانسته و افکار فلسفی در آثار او را بر مذهب اعتزال حمل نموده اند، و صاحب الذریعه او را شیعی فرض کرده است. در اواخر قرن هفتم هجری یهودیان بر کارهای دیوانی مشرق زمین مسلط شدند، یعنی در زمان امپراطوری مغولان، چون برای اداره امور مملکت به مسلمانان اعتماد نداشتند، زمام امور را به دست غیر مسلمین سپردند، و در آن روزگار بیشتر حکام شهرهای مهم عراق و ایران یهودی بودند.

ابن کمونه، در پایان عمر، با آغاز این دوره روبه رو شد، و از این روی در آن قسمت از تألیفاتش که به آخر عمرش مربوط می شود آثار یهودیت آشکارتر است.

مشهورترین آثار او

مشهورترین آثار او عبارتند از:

^۱ آدرس و نشان هر سه بخش مقاله ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث، دکتر علی نقی منزوی، در مجله خاطرات وحید، برداشت شده از سایت پورتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

(۱) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

۱. شرح تلویحات^۱ که نسخه‌های آن در کتابخانه مجلس شورای ملی و در دانشکده الهیات موجود است^۲؛
۲. شرح اشارات که در کتابخانه دیوان هند است^۳؛
۳. الکاشف که نسخه آن در مجلس شورای ملی و کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است؛
۴. اللمعة الجوينية که در کتابخانه مجلس شورای ملی و در دانشگاه تهران موجود است^۴؛
۵. الحکمة الجديدة في المنطق که نسخه‌ای از آن نزد جمیل صدقی زهاوی در بغداد موجود است^۵؛
۶. رساله ازلیت نفس که توسط لئون غوی در سال ۱۹۴۴م چاپ شده است^۶؛
۷. رساله تجرد نفس که در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است؛
۸. چهار التقاط از آثار الباقية، الشمسية، قانون مسعودی، هیأت مؤبدالدين عروضی که صاحب ذریعه آن‌ها را در خزانه غروی دیده است^۷؛

^۱ ذریعه، ج ۱۳، ۱۵۱، شماره ۵۱۹.

^۲ شرح تلویحات سهروردی شیخ اشراق است.

^۳ شرح اشارات شیخ رئیس ابوعلی است. ابن کمونه آن را به نام فرزند خود شمس‌الدین صاحب دیوان الممالک نوشت و در آن سخنان گزینش از برخی حکیمان و نیز گزینشی از کتاب شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی را در آن گنجانید و آن را شرح الاصول و الجمل من مهمات العلم و العمل نامید. نک: ذریعه، ج ۲، ۹۶.

^۴ اللمعة في الحکمة همان اللمعة الجوينية في الحکمة نوشته ابن کمونه است. نسخه دست‌نویس ابن کمونه در کتابخانه الغرابة در نجف است که در سال ۱۶۷۹ آن را به پایان رسانده است (ذریعه، ج ۸، ۸۸؛ ج ۱۸، ۳۵۱، شماره ۴۳۸).

^۵ ذریعه، ج ۷، ۵۵، شماره ۳۰۰.

^۶ رساله في بقاء النفس و ابدیتها، ده فصل است، ذریعه، ج ۱۱، ۱۳۱، شماره ۸۱۵.

^۷ الالتقاط عن کتاب الهيئة، ذریعه، ج ۲، ۲۸۶، شماره ۱۱۶۰.

(۱) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

۹. فواید پراکنده و مغالطات و شبهات منطقی او، که نسخ آن در کتابخانه مجلس شورای ملی و دیگر کتابخانه‌ها فراوان است.^۱

شهرت ابن کمونه از سده یازدهم به بعد به یک شبهه است که در توحید به او منسوب شده است، و چون در اعداد شبهات وی در نسخ موجود دیده نمی‌شود، من آن را جداگانه در بخش دوم این مقاله مورد گفتگو قرار می‌دهم؛

۱۰. تذکره کیمیا، کتابی بدین نام نیز به ابن کمونه منسوب شده؛ لیکن از وجود آن خبری نداریم؛

۱۱. المطالب المهمة من علم الحکمة^۲ در هفت فصل و هر فصل در هفت مبحث است. ترتیب کتاب با الکاشف شباهت دارد، اما تفاوتش با آن بسیار است. نسخه آن در کتابخانه آستان قدس مشهد هست که عکس آن را دوست ارجمندم جناب آقای احمد گلچین معانی برایم به بیروت فرستاده‌اند. در پشت برگ اول نوشته شده «تألیف ابن کمونه الذي صار إلى مذهب الامامية أخيراً و مات عليه»^۳؛

۱۲. تنقیح الأبحاث عن الملل الثلاث.^۴

^۱ شبهة الاستلزام، یکی از شبهه‌های منسوب به ابن کمونه است که از مغالطه‌های بسیار دشوار و مشهور اوست که گویند از شبهه مشهور جذر الأصم سخت‌تر است (ذریعه، ج ۶، ۱۰۵ و ۳۸۱؛ ج ۷، ۱۳ و ۷۶). حل إشکال ابن کمونه، نک: ذریعه، ج ۵، ۹۲؛ ج ۷، ۶۴؛ ج ۱۱، ۱۵۳؛ ج ۱۳، ۲۳ و ۲۴؛ ج ۱۵، ۶۳ و ۲۵۳. هم‌چنین کتاب الفوائد، ابن کمونه، ذریعه، ج ۱۶، ۳۱۷، شماره ۱۴۷۸.

^۲ المطالب المهمة من علم الحکمة، ابن کمونه، درباره حوادث جامعه است (ذریعه، ج ۲۱، ۱۴۰، شماره ۴۳۲۷). شرح الأصول والجمل من مهمات العلم والعمل (ذریعه، ج ۱۳، ۹۳، شماره ۳۰۱).

^۳ برگردان: نوشته ابن کمونه است که اخیراً به مذهب امامیه گروید و با داشتن همین مذهب چشم از جهان فرویست.

^۴ الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۴، ۴۵۹، شماره ۲۰۵۴: تنقیح الأبحاث في البحث عن الملل الثلاث أي الملة الإسلامية والنصرانية واليهودية، نوشته عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق) است که نسبش هبة الله فرزند کمونه اسراییلی می‌رسد. اوراست: کتاب الالتقاط الاعتراضات، ذریعه، ج ۲، ۲۸۶، شماره ۱۱۶۱؛ لباب المنطق ذریعه، ج ۴، ۴۲۴؛ انتخاب تلخیص المحصل؛ یا انتخاب نقد المحصل ذریعه، ج ۲، ۳۶۷، شماره ۱۴۴۴، کتاب المحصل از آن فخر رازی (د: ۶۰۶ق) است، تلخیص؛ یا نقد آن از خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ق) و انتخاب از ابن کمونه است؛ فلسفه ابن کمونه، نوشته خودش، ذریعه، ج ۱۶، ۳۰۴، شماره ۱۳۵۰؛ رساله في الكلام، ابن کمونه، ذریعه، ج ۱۸، ۱۰۵، شماره ۹۰۳؛ مقالة في النفس،

(۱) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

آخرین اثر ابن کمونه که بیش از دیگر تألیفات او بیان کننده طرز فکر او است، کتاب تنقیح الأبحاث عن الملل الثلاث است که برخی کلمه «تنقیح» را نیز از آغاز نام آن برداشته و الأبحاث خوانده‌اند.

قدیم‌ترین جایی که از این کتاب نام برده شده در کتاب الحوادث الجامعة في المائة السابقة، چاپ بغداد، برگه ۴۴۰ می‌باشد^۱. اگر در انتساب این کتاب به ابن فوطی شک است؛ لیکن در این که مؤلف هر که باشد معاصر ابن کمونه بوده است، شکی نیست. او در باره این کتاب چنین می‌گوید:

در این سال (۶۸۳ق) در بغداد مشهور شد که ابن کمونه کتابی به نام الأبحاث عن الملل الثلاث ساخته و در آن به نبوت حمله کرده است. مردم برای قتل او گرد آمدند. تمسکای مغول و مجدالدین ابن اثیر مردم را فریب داده پراکنده نمودند، و ابن کمونه در صندوق نهاده شد و نزد پسرش به حله فرستاده شد، و همان جا پس از اندکی درگذشت.

اینک این سؤال پیش می‌آید که در این کتاب چیست که موجب خشم مردم شده است؟ برای به دست آوردن پاسخ این سؤال بود که چون پدرم در کتاب ذریعه نسخه آن را در مجلس نشان داده بود به سراغ آن رفتیم، چون نسخه تاریک و عکس‌ناپذیر بود، همه آن را رونویسی کرده و برخی کلمات ناخوان آن را با رنج فراوان خواندم.

[تنقیح الأبحاث عن الملل الثلاث]

سبب تألیف کتاب الأبحاث

مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید: گفتگوهایی رخ داد که موجب تألیف آن گردید. او از موضوع گفتگوها چیزی بیان نکرده است، اما چون تألیف کتاب در دهه هشتم سده هفتم رخ داده، و در این تاریخ، مغول‌ها حکومت بیشتر شهرستان‌های ایران و

ابن کمونه، ذریعه، ج ۲۱، ۴۰۵، ۵۷۰۹؛ ملتقطات سعد بن منصور، با آوازه ابن کمونه، برداشت از سخنان خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ق) است، ذریعه، ج ۲۱، ۱۹۵، ۶۶۶۹؛ تقریب المحجة و تهذیب الحجة في المسائل العقلية، ابن کمونه، درباره حوادث جامعه است، ذریعه، ۲۶، ۲۲۴، شماره ۱۱۳۳.

^۱ الحوادث الجامعة و التجارب النافعة في المائة السابعة، نوشته ابوالفضل، کمال الدین، عبدالرزاق فرزند احمد فرزند محمد فرزند ابوالمعالی شیبانی (۶۴۲ - ۷۲۳ق)، با آوازه ابن فوطی و ابن صابونی، تاریخ‌نگار، ادیب و کاتب حنبلی، کتابدار رصدخانه مراغه بود.

(۱) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

۵

عراق را به دست حکام یهود سپرده بودند، و مجدالدین ابن اثیر صاحب دیوان بغداد و مهذب الدوله ماشعیری نائب الحکومه آن جا بود و همین ایشان ابن کمونه را در هجوم عوام نجات داده و به حله فرستادند دور نیست که تألیف این کتاب با موافقت بزرگان یهود انجام شده باشد.

(ناتمام)

دکتر علی نقی مسزوی

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

مجلة خاطرات وحید، سال ششم، خردادماه ۱۳۴۸، می ۱۹۶۹، ربیع الاول ۱۳۸۹، شماره ۶۶، برگه ۵۰۳-۵۱۴

[ابن کمونه و همتایانش]

ابن کمونه و ابن میمون

ابن کمونه در این رساله مطالب بسیاری از ابن میمون نقل می کند؛ لیکن به سبب تقییه از ذکر نام وی خودداری می کند. ابن کمونه در بند ۸۸ کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث، از ابن میمون با عنوان «من زعم» از کتاب وی دلالة الحائرين^۲ نقل کرده و در بند ۱۰۴ او را «بعض المتأخرين» یاد کرده است و او را در بند ۱۱۰ «بعض الفضلاء» اش نامیده است. ابن میمون (د: ۶۰۰ق) فیلسوف یهودی است که بعداً به صورت حلقه اتصال بین فلسفه اسلام و مسیحیت در آمد و به شدت تحت تأثیر فلسفه فارابی و ابن سینا قرار گرفت.

سموئیل، ابن کمونه، و ماردینی

سموئیل یک یهودی مسلمان شده است که کتاب افحام [اليهود]^۳ را در حقانیت سه دین نوشته و اسلام را ناسخ آن دو دیگر می داند. او این کتاب را در ۹ ذیحجه ۵۵۸ ق به پایان رسانده است.

^۱ آدرس و نشان هر سه بخش مقاله ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث، دکتر علی نقی منزوی، در مجلة خاطرات وحید، برداشت شده از سایت پورتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

^۲ کتاب دلالة الحائرين، موسی فرزند میمون قرطبی اندلسی (۵۳۰-۶۰۳ / ۱۱۳۵-۱۲۰۵م)، تصحیح حسین اتای، استانبول، ۱۹۷۴م و نیز در مصر، مكتبة الثقافة الدينية، قاهره،

^۳ کتاب الرد علی اليهود، سموئیل فرزند یحیی فرزند عباس مغربی (ز: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۵م). عیون الأنباء في طبقات الأطباء، برگردان ذاکر، ج ۲،

ابن کمونه در کتاب التَّنْقِيحِ استدلال‌های او را باطل کرد؛ و لیکن از ذکر نام وی جز در دو بند ۲۳۱ و ۲۳۸ خودداری کرده است و این نیز می‌رساند که این کتاب برای دفاع از یهود است، سپس ماردینی، زین‌الدین سربیح ملطی مصری (د: ۷۸۸ق) که اسماعیل پاشا احوالش را در هدیه العارفین به تفصیل آورده کتابی به نام نهوض حثیث النهود إلی خوض خبیث الیهود در ردّ ابن کمونه و دفاع از سموئیل و افحام الیهود نگاشت.^۱

[کتاب تنقیح الأبحاث]

اسلوب استدلالی کتاب تنقیح

ابن کمونه در مقدمه کتاب وعده داده است که جز مقایسه میان این سه مذهب انجام ندهد و هیچ یک را بر دیگری ترجیح نگذارد. او در ضمن کتاب نیز کوشش می‌کند که به وعده خویش وفا کند و از این روی برخلاف دیگر متکلمان دشمن را بی‌رحمانه نمی‌کوبد، و استدلال‌ها را به صورت قطعی بیان نمی‌کند؛ بلکه بیشتر با جمله «يُمْكِنُ أَنْ يُقَالَ»، «و لا يُتَعَدُّ أَنْ يُقَالَ»، «و رُبَّمَا حَصَلَ الْإِيحَان» سخن آغاز می‌کند و غالباً أدله طرف را مشکوک، جلوه می‌دهد؛ البته محیط خانوادگی او را وادار کرده است که أدله مسیحیان و مسلمانان را سبک بگیرد و جواب مفصل‌تر بدهد و أدله یهود را قوی‌تر بیاورد و پاسخی سبک گوید؛ لیکن بازهم ظاهر بی‌طرفی را حفظ کرده است و همین حفظ ظاهر اهمیت تاریخی به سزایی به این کتاب می‌دهد و آن را به صورت قدیم‌ترین کتاب کلامی بی‌طرف برای مقایسه ادیان در آورد.

اسلوب انشایی

مؤلف این کتاب مانند بیشتر علمای یهود که آثار خود را به عربی نوشته‌اند به دستور زبان عرب درست توجه نمی‌کند. این خاصیت به درستی در کتاب‌های دلایله الحائرین ابن‌میمون و فرائض القلوب یحیی اندلسی دیده می‌شود و این دومی در برگه ۲۳ فرائض بدان اعتراف می‌کند.

مؤلف ما در برخی جاها به شدت تحت تأثیر لهجه محلی مردم سوریه و فلسطین قرار گرفته است.

^۱ ابن‌ساعاتی (د: ۶۹۴ق) نیز بر آن ردّ دیگری به نام الدر المنضود فی الردّ علی فیلسوف الیهود نوشت.

نسبت کتاب به ابن کمونه

نام مؤلف در دیباچه کتاب نیست، در صورتی که ابن کمونه نام خویش را در آغاز کتب بزرگ خود آورده است و چنان که دیدیم ابن فوطی بغدادی نیز می گوید: در بغداد شهرت یافت که ابن کمونه چنین کتابی نگاشته است. مادرینی نیز در آغاز ردّی که بر آن نگاشته، از نسبت این کتاب به ابن کمونه گفتگو می کند. از همه مهم تر لهجه محلی و اغلاطی که در این کتاب هست در هیچ یک از کتب این فیلسوف دیده نمی شود، اما همه این تردیدها و با مطالعه ای که من در کتاب های دیگر او کرده ام در نسبت محتویات و مضمون کتاب به ابن کمونه شک ندارم ممکن است بگوییم که وی آن را برای برخی از یهود املا کرده و آن شخص آن را به لهجه محلی خود به قلم آورده باشد.

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

محتویات کتاب

این کتاب در ۲۲۰۰ سطر ده کلمه‌ای تدوین شده و به چهار باب به ترتیب زیر بخش شده است:

۱- نبوت به طور عموم؛

۲- نبوت موسی؛

۳- نبوت عیسی؛

۴- نبوت محمد.

دیباچه

او در دیباچه وعده می‌دهد که بی‌طرف بماند و دلیل‌های هر یک از سه ملت را یاد کند، و هیچ یک را ترجیح ندهد؛ بنابراین، هر چند ابن کمونه نتوانسته است بی‌طرفی کامل خود را حفظ کند، مع ذلک چون در این راه کوشش کرده است. لذا از نظر تاریخ علم کلام و تاریخ تطبیقی مذاهب، کتابی بسیار سودمند و شیرین به نظر می‌رسد.

مؤلف در دیباچه می‌گوید: «مذاکراتی جریان یافت که مقتضی شد من چنین کتابی تهیه کنم.» با در نظر گرفتن این که در سال تألیف این کتاب تمسک‌ای فرمانروای مغولی عراق، مجدالدین ابن‌اثیر مسلمان‌نما صاحب دیوان بغداد، و مهذب‌الدوله ابن‌المشعیری یهودی نایب‌الحکومه بغداد است، دور نیست با نظر مذهبی این تألیف به وجود آمده باشد. رفتار ابن کمونه که در عین تظاهر به بی‌طرفی، أدله یهود را برتری می‌بخشد، مؤید این حدس می‌باشد.

او برای اظهار بی‌طرفی در دیباچه کتاب جملاتی را که مورد اتفاق نظر هر سه مذهب است به کار برده: نخست، ستایش خدا و سپس درود بر همه پیغمبران و مخصوصاً مصطفای ایشان می‌فرستد. با کلمه مصطفی هم محیط مسلمان بغداد را راضی کرده و هم مفهوم وصفی آن را که قابل تطبیق بر هر پیغمبری است، خواسته است.

باب یکم

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

وی در بخش نخست، نبوت را سومین درجه از فهم و شعور معرفی کرده، گوید: همان طور که انسان آن چه را با عقل درک می‌کند، نمی‌تواند با حس درک کند، همین طور آن چه از راه الهام (نبوت) درک می‌شود، لازم نیست از طریق عقل قابل پذیرش باشد.

وی در این بخش یک متکلم است، نه فیلسوف، و همه جا ایمان را بر عقل مقدم می‌شمرد.

برای پیغمبر سه علامت قائل است:

۱- نفس قوی مؤثر در طبیعت؛

۲- عقل قوی در کشف مطالب؛

۳- علم به مغیبات.

می‌گوید: پیغمبران سه درجه‌اند:

۱- آنان که هر سه علامت را دارند؛

۲- آنان که دو علامت را دارند؛

۳- آنان که تنها یکی از سه علامت را دارند.

- وحی را به چهار قسمت کرده: وحی در خواب و بیداری و هر یک با واسطه و بی‌واسطه، سپس این مراتب را از لحاظ اقسام الهام و وحی به ده مرتبه تقسیم کرده است.

- معجزه را تصدیق می‌کند و برای آن پنج شرط ذکر می‌کند که همان شروط در کتاب تجرید خواجه [نصیرالدین طوسی] دیده می‌شود، سپس هفت اعتراض فلسفی برای معجزه می‌آورد و آن را رد می‌کند.

- برای لزوم بعثت انبیاء پانزده دلیل آورده که مانند أدله تعلیمیان در لزوم معلم و امام می‌باشد و بر عدم اعتماد به عقل بشر مبتنی است و همه آن‌ها در تجرید خواجه تحت هفت فائده بعثت جمع شده است.

او در پایان، با آن که اعتراف می‌کند که بعضی از این دلایل اقلی است، معذک شبهات ضد آن‌ها را یکی یکی رد می‌کند.

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

شبهه اول شامل شش اعتراض فلسفی بر اصل تکلیف است که همه را با یک جواب مبتنی بر جبر مذهبی طبق اصول اشعری پاسخ می‌گوید که عمل نیک، علامت ثواب است و عمل بد، علامت عقاب، و هیچ کدام علت نمی‌باشند. دو شبهه دیگر را نیز با دلیل اصل «عدم کفایت عقل بشری» رد می‌کند.

باب دوم

در باب دوم: أدله و معجزات پیغمبران بنی اسرائیل را برمی‌شمرد. به طهارت ظاهری و باطنی، مانند آن چه اسماعیلیان دارند، و دوری از زنان، مانند آن چه مانویان دارند، دعوت می‌کند. نام‌های پیغمبران و جای‌های ایشان و اصطلاحات مذهبی یهود را همانند آن چه در کتب ایشان است نقل می‌کند، و از بیان آن چه که مسلمانان از آن‌ها گرفته و تحریف کرده خودداری می‌کند. از دلیل‌های یهود در اثبات موسی پشتیبانی می‌کند و زمینه را بی‌طرف‌آبانه، ولی به نفع آن‌ها فراهم می‌کند. **می‌گوید:** یهود پاداش ثواب را بی‌بهشت، جاودان می‌دانند، اما برای کیفر گناه، به عذاب غیر دائم در جهنم معتقدند، و به نظر می‌رسد ابن کمونه این مسأله را از معتزله گرفته و چون مورد پسند او است، به یهود نسبت داده است. و نیز از مسأله دو معاد کبیر و صغیر یهودیان را یاد می‌کند. اولی را که هنگام ظهور مسیح خواهد بود همان ظهور قائم می‌دانند.

ثواب و عقاب را روحانی می‌دانند نه جسمانی، به نظر می‌رسد که این مسأله معاد را نیز ابن کمونه از اضحویه ابن سینا و اسماعیلیه گرفته باشد و ایشان نیز از فلسفه اسکندرانی فیلونی متأثر می‌شمرند. وگرنه یهودیان اولیه مانند مسلمانان صدر اول شئی غیر جسمانی را درک نمی‌کردند. ایشان روح را نیز جسم می‌شمرند. سپس از اعتراض‌های مخالفان یهود، تنها هفت اعتراض را نقل می‌کند و به نسبت سطور کتاب مقدار اعتراض کمتر از یک‌دهم جواب می‌باشد.

اینک اعتراض‌ها:

۱- انکار تواتر دین یهود و انقطاع آن در جنگ بخت‌النصر و همین را علامه حلی نیز در کتاب شرح تجرید یاد می‌کند؛

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

۲- انکار تواتر تورات. در این جا او اختلافات موجود در قرآن را برشمرده و آن‌ها را بیش از اختلافات منسوب به تورات نقل می‌کند؛

۳- اعتراض بر متن تورات که قائل به جسم بودن خدا و قابل رؤیت وی است. این مورد را نیز با قرآن نقض می‌کند.
او گوید: بیشتر آیات قرآن دال بر جسمیت است و مسلمانان آن را تفسیر می‌کنند، پس یهود را نیز نمی‌توان از تفسیر منع کرد، سپس همان کار که معتزله و اسماعیلیه با قرآن کرده‌اند، وی با تورات می‌کند؛

۴- اعتراض به افسانه‌های غیر علمی خلقت آدم و زمین و بهشت که در تورات موجود است، و آن را نیز با مشابیهات آن‌ها در کتب صابئیان و مانویان نقض می‌کند؛

کتاب‌هایی که در این جا نام برد چنین است: الفلاحة النبوية تألیف ابن وحشیه که پر از هذیان‌های بت‌پرستان است؛ اسطماخس که منسوب به ارسطو است و برخی کتب طلسمات، مانند طمطم و الشراف و درج الفلک که منسوب است به ارسطو. کتاب الکبر اسحاق صابی. او این قسمت و نام این کتاب‌ها را از کتاب دلالة الحائرین ابن میمون گرفته است؛

۵- اعتراض پنجم آن که در تورات ثواب و عقاب اخروی نیست و اثبات عالم آخرت از مسائل مهم دین است. در جواب این اعتراض که ده برابر سؤال طول دارد، می‌گوید که چون در اخبار مؤمن هست کافی است و نیامدن آن در متن تورات زیانی ندارد؛

۶- چه فرقی است میان نقل تواتر معجزات زرتشت و دیگر پیغمبران که یهود منکر آنان‌اند و میان نقل معجزات موسی؟
در جواب مفصل می‌گوید: منقولات یهود متواتر و منقولات دیگران نامتواتر می‌باشد.

۷- اعتراض هفتم آن که تورات منسوخ می‌باشد به پنج دلیل:

الف) قبول نسخ برخی از احکام، از طرف خود یهود؛

ب) اختلاف ایشان در برخی از احکام؛

ج) برخی دعاها و نمازهای یهود پس از موسی ساخته شده؛

د) سلیمان و دیگر پیغمبران بعد از موسی برخی احکام را عمل نکردند؛

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

ه) ختنه در روز هشتم تولد بچه واجب و تعطیل شنبه نیز واجب است، پس گاهی این دو حکم تناقض یافته ناسخ و منسوخ یک دیگر می شوند.

ابن کمونه این پنج دلیل سست را نیز با پنج پاسخ سست تر، ولی مفصل تر جواب گفته، اضافه می کند که در حق مسلمانان و مسیحیان این پنج دلیل نیز ناقض خود ایشان می شود و فقط غیر آنان می تواند این دلیل ها را بیاورد.

باب سوم

در باب سوم، تاریخ مسیحیان را از دیدگاه یک یهودی و در عین حال متظاهر به بی طرفی نقل می کند و اعتقادنامه کنفرانس کنستانتین و اختلاف یعقوبیان و نسطوریان و ملکانیان را یاد می کند. از کتاب یحیی بن سعدی در معتقدات مسیحیان با واسطه نقل می کند.

از پدر مسیح، یوسف نجار، نام می برد، و پس از اعتراض های پی در پی و آشفته بر مسیحیان می گوید: بهتر است اینان بگویند: ما مأمور هستیم اقایم^۱ را محصور در سه بدانیم و دلیلش را نمی دانیم از بحثی که در باره کلمه «قضیب» آورده می نماید که زبان عبری می دانسته است. در پایان آشکارا دلیل های مسیحیان را رد می کند و سپس می گوید: بهترین دلیل اصالت مسیحیت همانا مقاومت ها و تحمل دشواری ها از طرف مسیحیان است، و این دلیل را خود مسیحیان نفهمیده و من برای ایشان می آورم.

باب چهارم

در باب چهارم، راجع به اسلام همواره برای مسلمانان ضمیر سوم شخص به کار می برد و در مسأله جاویدان نبودن عذاب جهنم می گوید: «فأكثر من نعرفه من المسلمين يقول ...» به طوری که خود را خارج از ایشان می شمرد.

[دلایل اثبات نبوت پیامبر اسلام]

سپس شش دلیل برای اثبات نبوت محمد می آورد:

[دلیل یکم بر نبوت پیامبر]

^۱ اقایم: مثلث: اب، ابن، روح القدس است.

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

یکم: او ادعای نبوت کرد و معجزه آورد. و در این جا آیات تَحَدَّى (مبارزه طلبی) را می آورد. و سپس پانزده اعتراض بر آن را از دیگران نقل کرده است:

۱- در مورد این که: شاید قرآن بر پیغمبر دیگری نازل شده و محمد آن را دزدیده است؟

جواب می دهد: این سخن مسخره است؛

۲- در مورد این که: شاید محمد قرآن را از روی کتب گذشتگان انتخاب کرده و کلمات آنان را اقتباس کرده باشد، چنان که «تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۱ را از کاتب خود ابوعبدالله سعد بن ابی سرح گرفت و او بدین سبب مرتد شد؟

جواب می دهد: اگر چنین چیزی بازهم وجود داشت، آن هم مثل داستان سعد مشهور می شد؛

۳- در مورد این که: اگر قرآن روی هم رفته متواتر باشد، آیاتش متواتر نیست؟

جواب می دهد، سپس داستان اضافات عبدالله بن مسعود و حکایت کاهش قرآن را به دست عثمان نقل می کند، و جواب می دهد که شدت علاقه صحابه به قرآن مانع تحریف در آن می باشد؛ سپس از نامنظم بودن قرآن و آیات متشابه و اغلاط قرآن و تحریف و تنقیض نیمی از آن و آیات شیطانی قرآن، مانند داستان غرانیق (در مورد بت ها) و آیات منسوخ التلاوة یاد می نماید؛

۴- آن گاه این اعتراض را که: آیات تَحَدَّى مانند حماسه سرائی های شاعرانه است که خطیبان مدعی آن می شوند و واقعیت ندارد؟ و این که هیچ وقت محمد در اثبات نبوت خود به قرآن استدلال نکرده است، مطرح می کند؟

در پاسخ می گوید: شاید داعی برای نقل استشهاد محمد به قرآن وجود نداشته است، سپس اشاره می کند که باید گفت استدلال محمد به قرآن متواتر است؛

۵- در مورد این که: برفرض وجود تَحَدَّى، مسلماً به همه جهانیان نرسید و چه بسا اگر می رسید، جواب داده می شد؟

^۱ سوره شماره ۲۳، مؤمنون، آیت ۱۴: ثُمَّ خَلَقْنَا الطُّفْلَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ / آن گاه آن نطفه را علقه گردانیدیم، پس آن علقه را به صورت پاره گوشتی درآوردیم، پس آن پاره گوشت را استخوان هایی ساختیم و بر استخوان ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و با برکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است.

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

جواب می‌دهد: که اختلاف و فاصله میان کلام قرآنی و کلام کسانی که تَحَدَى بدیشان رسید، آن قدر زیاد است که به سرحد اعجاز رسیده است، و همین قدر کافی است؛

۶- در مورد این که: شاید عربان با محمد سازش کرده بودند که به ریاست او حکومتی بنا نهند و معارضه آنان با قرآن جنگ زرگری بوده؟

جواب می‌دهد: ما می‌دانیم فصیحان عرب همه دشمن محمد بودند و توطئه‌ای در کار نبود؛

۷- در مورد این که: اگر چه بپذیریم که آنان با محمد دشمن بودند؛ لیکن برای معارضه با قرآن داعی و محرکی نداشته‌اند؟

جواب می‌دهد: معارضه با قرآن آسان‌ترین راه مجاب کردن محمد بود؛

۸- در مورد این که: شاید اعراب فکر می‌کرده‌اند که جنگ با محمد بهتر و آسان‌تر از معارضه با قرآن باشد؟

جواب می‌دهد: معارضه با قرآن هم آسان‌تر و هم مطمئن‌تر بوده است؛

۹- در مورد این که: شاید محمد دشمنان خویش را به جنگ‌ها مشغول می‌داشت تا نتوانند به معارضه قرآن برخیزند و این که مردم از ترس ما به این کار دست نزدند چنان که هیچ کس کتابی را که پادشاه نویسد جواب نمی‌گوید؟

می‌گوید: کسانی که محمد را هجا گفته‌اند، چگونه از وی نمی‌ترسیدند؟

۱۰- در مورد این که: شاید با قرآن معارضه شده، اما به ما نرسیده است و مانند دیگر مسائل مهم پنهان مانده، هم چون

جفت؛ یا فرد بودن واحدهای اقامه نماز و نصّ جلی مورد ادعای شیعیان، و بود و نبود معوذتین در قرآن؟

جواب می‌گوید: موضوع قرآن مهم‌تر از آن است که پنهان بماند؛

۱۱- در مورد این که: شاید معارضه کنندگان را محمد و یارانش کشته باشند، و طرفدارانشان از ترس آن را پنهان کرده

باشند؟

جواب می‌گوید: اگر چنین بود، شهرت می‌یافت؛

۱۲- در مورد این که: اعراب برای مقابله با قرآن، قصاید سبع را آوردند. مسیلمه جمله‌هایی ساخت. نصر بن حارث مقابل

قرآن کتاب اخبار ملوک العجم را آورد؛ و ابن مقفع، قابوس و شمشگیر؛ و ابوالعلاء معری هر یک کتابی مانند قرآن آوردند؟

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

جواب می گوید: آن چه در زمان محمد آوردند، به پایه قرآن نرسید و آن چه بعدها ساخته شد، ناقض معجزه زمان محمد نیست و قرآن در زمان معین معجزه بوده است؛

۱۳- در مورد این که: شاید محمد فصیح تر از معاصرانش بوده است، همان طور که ارسطو منطقی ترین معاصرانش و بطلمیوس در هیأت و نجوم از مردم زمان خود سر بوده؟

جواب می گوید: اولاً اختلاف میان این مردان و معاصرانشان به سرحد اعجاز نرسیده است، در صورتی که اختلاف میان قرآن و دیگران بدین حد رسیده است.

ثانیاً آن که عده ای می گویند: اعجاز در فصاحت قرآن نبوده؛ بلکه در صرف است، یعنی که خداوند قدرت را از معارضان قرآن سلب کرده است، ولی ابن کمونه این دلیل را از سه راه رد می کند:

الف) چرا شهرت نیافت؟

ب) بنا بر دلیل صرف هر چه قرآن نافصیح باشد معجزتر خواهد بود؛

ج) چرا پیش از تحدی قرآن، ایشان اقدام نکردند؟

۱۴- در مورد این که: محمد مدت ها در سرودن قرآن رنج برده است تا آن را بهتر از دیگران بسراید؟

جواب می گوید: با طول مدت، تفاوت میان قرآن و سخنان دیگران به سرحد اعجاز نمی رسد؛

۱۵- در مورد این که: محمد در اثر مسافرت ها به خدانشناسی و تاریخ دست یافت و در قرآن آورد و از عرب های نادان خواست که مثل آن را بسازند؟

جواب می گوید: یهودیان و مسیحیان عالم در میان اعراب بودند و جواب ندادند.

در پایان ابن کمونه گوید: اعتراض به قرآن زیاد بود و من تنها آن چه را متکلمان یاد کرده اند، آوردم.

سپس از کتاب **المعالم فخرالدین رازی^۱ چنین نقل می کند:** اگر چه فرض شود که فصاحت قرآن معجز نیست، ولی تردیدی نیست که کتابی است پر مغز که از زبان کسی شنیده شده است که بی سواد بوده.

^۱ ابو عبدالله محمد فرزند عمر فرزند حسین فرزند حسن ثیمی بکری طبرستانی رازی، فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و حکیم مسلمان ایرانی که در سال ۵۴۴ق / ۱۱۴۹م از خانواده ای اهل هوسم (رودسر) در ری زاده شد و در سال ۶۰۶ق / ۱۲۱۰م در هرات درگذشت.

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

و سپس می‌گوید: این دلیل از تمام دلیل‌های دیگر بهتر است.

دلیل دوم بر اثبات پیغمبری محمد

غیبگویی‌های او است که ابن کمونه آن را در دو بخش بیان می‌کند:

بخش نخست: به اخبار گذشتگان اختصاص دارد، یعنی محمد بدون آن که اخبار انبیای گذشته را از کسی آموخته باشد بیان کرده است؛

بخش دوم: به اخبار آیندگان مربوط می‌شود، یعنی آن چه که نمونه‌های آن در قرآن و اخبار اسلامی آمده است.

آن گاه ابن کمونه از پیشگویی‌هایی که در قرآن آمده، ده نمونه برشمرده است و درباره آن‌ها شبهه‌هایی آورده است، بدین معنی که زهاد و صوفیه نیز گاهی غیب می‌گویند، سپس به نقل داستان سبط و سوید بن قارب زنی غیبگو که در سال ۱۰ هـ ق می‌زیسته، می‌پردازد.

و نیز می‌گوید: این غیبگویی‌ها، برخی کلی و برخی توضیح و اضحات بوده است. آن گاه جواب این اعتراض‌ها را از فخر رازی نقل می‌کند که این‌ها دلیل نبوت محمد، نبوده؛ بلکه مؤید آن است.

سپس به نقل برخی از داستان‌های قرآن پرداخته است که یهودیان و مسیحیان آن را قبول ندارند، مانند پیغمبری سلیمان، پسر خدا بودن عزیز، و کشته نشدن مسیح.

و می‌گوید: باید به یهود و مسیحیان در این مورد چنین پاسخ داده شود که تواتر اخبار در دین شما مخدوش است.

دلیل سوم بر نبوت محمد

معجزات دیگری است، مانند:

- جاری شدن آب از انگشت‌هایش؛
- سیر کردن مردم بسیار با غذای اندک؛
- شَقُّ القمر؛
- و شکایت شتر نزد وی.

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

ابن کمونه در پاسخ آن‌ها می‌گوید: حوادث عجیب، همیشه مردم را به نقل آن تحریک می‌کند و آن را به تواتر می‌رساند و در مورد این که اخبار این معجزات تواتر ندارد، جواب می‌دهد: که اگر چنین معجزاتی نبود این همه مردم به دنبال محمد نمی‌آمدند و از طرفی گویندگان این اخبار مسلمان‌اند و کذب را حرام می‌دانند، گرچه برخی از متدینان دروغ را در راه ترویج دین خود جایز می‌شمردند، سپس آیاتی را از قرآن نقل می‌کند که منکر اصل معجزه است.

دلیل چهارم بر نبوت محمد

بشارتی است که در کتاب‌های مقدس انبیاء گذشته آمده است، در این مسأله از کتاب منازل الکوفه تألیف ابن‌الکوفی و کتاب الافحام که صاحبش یهودی بوده و پس از اسلام به دین خود برگشته و عناد ورزیده، نقل می‌کند.
می‌گوید: کلمه‌ای که در تورات دلیل بر بشارت است با حساب حروف ابجد ۹۲ می‌شود و نام محمد نیز با این حساب ۹۲ می‌باشد.

سپس می‌گوید: پس بشارت آشکار نبوده، و بشارت اجمالی این چنین را ممکن است یکی از منافقان از راه دشمنی به محمد القا کرده باشد تا هم موجب بدنامی او را فراهم کند و هم جلب رضایتش کرده باشد، چنان که در تاریخ آمده که مردی یهودی نزد صاحب الزنج^۱، (۲۷۰ - ۲۵۰ ق) انقلابی بصره آمد و گفت: مطمئن باش که خبر خروج تو در کتب آسمانی ما موجود است.

آن‌گاه اضافه می‌کند که این دلیل به حدی ضعیف بوده که فخر رازی در کتاب محصل آن را به عنوان مؤید آورده، نه دلیل.

دلیل پنجم بر نبوت محمد

از راه تقسیم انسان‌ها است به سه بخش:

- ۱- انسان ناقص (عامی)؛
- ۲- انسان کامل غیر مکمل (ولی)؛
- ۳- انسان کامل و مکمل (نبی).

^۱ علی فرزند محمد با آوازه صاحب الزنج رهبر جنبش زنگیان در بصره به روزگار زمان عباسیان بود. او زاده ورزین ری است. وی دوم صفر ۲۷۰ برابر یک‌شنبه ۱۵ آگوست ۸۸۳ کشته شد.

۲) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

می گوید: در زمان محمد مردم دنیا در جهل و کفر غرق بوده و محمد آنان را نجات داده است. چنان که عقاید یهودیان به تشبیه آلوده بود و مسیحیان گرفتار ثالوث و زردتشتیان دچار ثنویت بودند. کسی که تمام ایشان را به راه حق هدایت کرد، همانا محمد است، پس او پیغمبر می باشد و فخرالدین رازی این دلیل را بهترین أدله نبوت محمد می شمرد.

سپس ابن کمونه تقسیم مردم را به سه بخش، مردود می شمرد و علما را گروه چهارم می داند و از اتهام به مشبه بودن یهود دفاع می کند و می گوید: «مسلمانان نیز آیات و احادیثی دارند که به ظاهر دلالت بر تشبیه و تجسم می کند.

گوید: اگر گفته شود که مسلمانان ظاهر قرآن و حدیث را تفسیر و تأویل کرده اند، گوییم که یهود نیز چنین نموده اند، خاصه این که مسلمانان در جائز بودن تأویل متفق نیستند.

ادامه دارد

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

مجله خاطرات وحید، سال ششم، آذرماه ۱۳۴۸، نوامبر ۱۹۶۹، رمضان ۱۳۸۹، شماره ۷۲ برگه ۱۰۷۹ - ۱۰۸۳،
من مطبوعات جامعه کالیفرنیا، ۱۱۹ برگه + ۱۲ برگه، عنی بنشره موسی پرلمان^۱

[نقد سخن موشه پرلمان]

انتساب کتاب تنقیح به ابن کمونه

در دنبال مقاله پیشین این جانب که در آن مجله گرامی منتشر گردیده است، باید عرض کنم: گرچه من از سال ۱۹۶۴م به فکر چاپ این رساله منسوب به ابن کمونه می‌بودم، و به سال ۱۹۶۶م رسماً چاپ آن را به دانشگاه یسوعیه بیروت پیشنهاد نمودم؛ لیکن هیچ گاه وجدانم با انتساب این کتاب به این مؤلف موافق نبود و دنبال أدله تأیید؛ یا ردّ می‌گشتم تا بالاخره خوشبختانه آقای موشه پرلمان، آن را در دانشگاه کالیفرنیا با یک پیش‌گفتار کوتاه به انگلیسی چاپ نمود، و گناه انتساب این وصله ناجور با دیگر مؤلفات ابن کمونه را به این مرد، از دوش من برداشت.

در مقدمه باید بگویم:

- اولاً، من صددرصد منکر چنین نسبتی نیستم و همانگونه که در مقاله پیش گفته‌ام، ابن کمونه را در تألیف آن دستی بوده و راهنمایی کرده و شاید برخی بخش‌هایش نیز به املای او و نوشته یک یهودی باشد؛
- ثانیاً، نمی‌خواهم برخلاف نظر چاپ‌کنندگان محترم رساله تنقیح افتخار یهود بودن او را از ایشان سلب نمایم و او را مسلمان جلوه دهم، چون من ابن کمونه را یک فیلسوف می‌شمرم، نه یک یهودی؛ یا مسلمان.

دکتر علی نقی منزوی

^۱ آدرس و نشان هر سه بخش مقاله ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث، دکتر علی نقی منزوی، در مجله خاطرات وحید، برداشت شده از سایت پورتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

پس از آن دو مقدمه، اگر قصد از تأکید انتساب این کتاب به ابن کمونه، یهودی جلوه دادن او باشد، این انتساب خود مشکوک است. همان گونه که ما قرن‌ها کوشیدیم او را مسلمان و حتی شیعی جلوه دهیم، اکنون عده‌ای در صدد برآمده‌اند که وی را با هزار و یک دلیل، یهودی جلوه دهند، و این هر دو نادرست است.

اینک من ترجمه بخشی از مقدمه‌ای که آقای موشه پرلمان برای این کتاب نوشته‌اند، در اختیار خوانندگان محترم می‌نهم، سپس نظریات خود را در دنباله آن بیان می‌نمایم.

آقای پرلمان، پس از مقدمه بسیار مختصر درباره دوره مغول به معرفی نسخه‌هایی که در چاپ مورد استفاده ایشان قرار گرفته است، پرداخته و می‌گوید:

در سده پیشین آقای موریتس اشتینشنیدر^۱ متوجه شد که تنقیح الابحاث یک سند مهم جدلی بین مذاهب در قرون وسطی در زبان عربی است، و سودمندترین خلاصه در رشته ادبیات می‌باشد^۲.

دیوید اچ بانث در یک بررسی دقیق از کتاب می‌گوید: نوشته‌های ابن کمونه سندیت استثنایی و مهمی در استنتاجات عقلی قرون وسطی داشته است^۳.

صرف نظر از شواهدی که این متبعان آورده‌اند، بخشی از فصل راجع به یهود او نیز به وسیله لوهیرشفیلد چاپ شده است^۴.

نسخه حاضر (مقصود چاپ پرلمان است) بر پایه پنج نسخه نهاده شده که دو نسخه آن به خط عبری می‌باشد و نویسنده نسخه دیگر مصدر مسیحی دارد.

¹ Steinschneider, Moritz, 1816 - 1907.

² Steinschneider / Arabische Uebersetzungen aus dem Griechischen / See index S.V. Saad / also his Die arabische literature der Juden (furt Frank: 1902) / P. 178.

³ In Monatsschrift fuer Geschichte und Wissenschaft des Judentums / vol 69(1905) / p. p. 295 - 311

⁴ Sa'd B. mansur Ibn Kammuna und sein Polemische schrift (Berlin : 1893).

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

کهن‌ترین این پنج نسخه از آن مجلس در تهران است^۱ که در یک مجموعه همراه رساله سموئیل مغربی افحام الیهود^۲ می‌باشد که یک قرن پیش‌تر از آن نوشته شده است، سپس یک نامه فلسفی است از ابن کمونه به پسرش. این مجموعه بسیار فرسوده است، و تنقیح در صد و ده صفحه^۳ ۱۹ سطری از آن است که به خط فارسی (نستعلیق) است. از پایان رساله سموئیل برمی‌آید که این مجموعه در نزدیک شیراز در (۸۵ق / ۱۲۸۶م) نوشته شده است. یک جلد از مقالات ابن کمونه با خط‌های گوناگون بر صفحه‌های باریک در کتابخانه سلیمانیه استانبول هست که نزدیکی قابل ملاحظه‌ای با نسخه تهران دارد، و در نقطه‌گذاری آن اهمال گردیده، و به تاریخ (۹۶ق / ۱۲۹۷م) در مدرسه نوریه موصل تهیه شده است^۴.

نسخه کتابخانه انگلیکان رم به خط خوش در (۷۵۵ق / ۱۳۵۴م) نوشته شده است. هم نویسنده و هم حاشیه‌نگار مسیحی آن در ماردین می‌زیسته‌اند^۵.

نسخه عبری نویس برلین، که به سال (۱۶۵۲ سلوکی / ۱۳۴۱م) نوشته شده، نیز از ماردین بدان جا آمده است. این نسخه با نسخه منحصر به فرد مقاله مؤلف در قرن میان ربانین و قرائین یهود که تاریخ (۶۷۹ق / ۱۲۸۰م) دارد، در یک مجلد است^۶. دومین نسخه عبری نویس در کتابخانه بادلیان آکسفورد است، و یک تملک (۱۶۶۴م / ۱۳۵۳ق) بر آن هست. چند برگ افتاده دارد، و با خط‌های گوناگون نوشته شده است^۷.

^۱ فهرست مجلس، یوسف اعتصامی، ج ۱، ۱۸۴؛ ج ۲، ۵۹۳؛ و نیز در مجله المکتبه بغداد، ج ۳، ش ۲، سال ۱۹۶۴، برگه ۲۸ یاد شده که نسخه رونویس از این نسخه اکنون در تملک دکتر حسین علی محفوظ در کاظمین می‌باشد.

^۲ *Proceedings of American academy for Jewish research*, VOL. XXXII Ed. M. Perlmann (New York: 1964)

^۳ نشانی این نسخه را پرفسور اچ. ریتز به این جانب (موشه پرلمان) داد که شماره ۱۳۴۱ کتابخانه فاتح در استانبول را دارد.

^۴ [ign. Guidi] *Catalogo dei codici orientali della Biblioteca Angelica di Roma* (Florence: 1878) / PP. 64-66.

^۵ M. SteinSchneider *Verzeichniss der Hebraeischen Handschriften der K. Bibliothek Zu Berlin* (Berlin: 1897) / I, 74-77. *The library of A. S.*

Yahuda had a copy made from this MS.

^۶ A. Neubauer / *catalogue of the Hebrew munscripits in the Bodleian Library* (oxford: 1886) / Col. 423 F, No. 1281.

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

قابل توجه است که در نسخه‌های عبری نویسی این کتاب نیز فرمول ستایش پیغمبر اسلام در دیباچه به صورت معمولی آمده است. شاید که مؤلف آن را برای مسلمان‌نمایی نوشته باشد، و معقول‌تر آن است که نویسندگان مسلمان در آن دست برده باشند. و این هنگامی امکان دارد که بگوییم نسخه‌های عبری نویسی از روی نسخه عربی نویسی نوشته شده‌اند. ممکن است مقصود از «رسوله المصطفی» مفهوم عام باشد که یهودیان آن را به موسی و مسلمانان به محمد بازگردانند.

دی. ایچ. بانث حدس می‌زند که مؤلف با به کار بردن حمد و ثنای مسلمانی خواسته راه را برای انتشار آن در میان خوانندگان باز کند و هم، این روش لایق یک فیلسوف می‌باشد که اگر همه ادیان را در حقانیت همانند نداند، لاقلاً آن‌ها را در مشیت خداوند و به عنایت الهی بودن یکسان می‌داند.

این بود بخشی از مقدمه آقای پرلمان بر تنقیح الأبحاث که برای تکمیل اطلاعات راجع به این کتاب، که در مقاله پیشین تقدیم شده بود، ترجمه نمودم.

دیدگاه منزوی

اینک نظر این جانب: در حقیقت آقای پرلمان با چاپ این رساله خدمتی به سزا به تاریخ فلسفه نموده‌اند و به ویژه که تألیف این رساله در شرایط به خصوصی، پس از سقوط بغداد به دست مغول‌ها و انقراض حکومت عباسی انجام شده است و تألیف آن به کسی نسبت داده شده که عمری به مسلمانی شهرت داشته و چندین کتاب طبق اصول مسلمانی تألیف کرده است؛ و لیکن از ذکر چند نکته نباید چشم پوشید:

۱. این که ایشان نسخه مجلس را کهن‌ترین نسخه دانسته‌اند، نادرست می‌باشد. نسخه شماره ۵۹۳ مجلس در قرن یازدهم نوشته شده است. در پایان یکی از رسایل آن آمده «و قد تمّ تسویده فی شهر صفر سنه ستین و الف من الهجرة» و تاریخ ۸۵ هجری که در پایان رساله افحام در مجموعه دیده می‌شود، تاریخ تألیف نسخه محمود بن مسعود شیرازی و شاید قطب شیرازی (د: ۷۱۰ ق است که نسخه مجلس از روی آن؛ یا مستقیماً؛ یا با واسطه، استنساخ گردیده است؛

۲. این که مرقوم داشته‌اند: سومین رساله مجموعه مجلس، نامه‌ای فلسفی از ابن کمونه است به پسرش نیز نادرست است و از ابن کمونه نیست؛ بلکه از شهرستانی است؛

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن

الملل الثلاث

۲۴

۳. بحثی که دربارهٔ حمد و ثنای دیباچه دارند، کاملاً درست است و همین موضوع یکی از اشکالات نسبت این کتاب را به ابن کمونه به وجود می‌آورد. چون وی در تمام کتاب‌های بزرگ و معروف خویش الکاشف، اللمعة و المطالب المهمة درود بر محمد و آل او را صراحت می‌آورد و نام خویش را نیز همه جا تصریح کرده است و اگر این رساله از او باشد، تنها جایی است که به این شیوه دست زده، شاید چون آن را با دلگرمی بیشتر و اتکای قوی‌تر بر یهود نگاشته است، چنین رفتار کرده و خواسته باشد که هر دو گروه را راضی نماید؛

۴. خرده دیگری که می‌توان بر کار ایشان گرفت، تصحیح زیاد نسخه است. رسالهٔ تنقیح دارای عبارات و جملاتی است که با قواعد دستوری زبان عرب درست نمی‌آید، و این حتماً از خود مؤلف است که کتاب را به لهجهٔ عربی متداول در میان یهود، خاصه در سوریه و فلسطین نگاشته است، مثلاً او در همه جا «ه» ضمیر سوم شخص را که به صورت «ی» تلفظ می‌شود، همان گونه نوشته است چنان که «رونقه» را «رونقی» و «مثله» را «مثلی» نوشته است، اما آقای مصحح همهٔ این‌ها را به صورت عربی فصیح برگردانیده‌اند، شاید خواسته‌اند لهجهٔ کتاب را به اسلوب دیگر مؤلفات ابن کمونه نزدیک سازند.

سیستم فکری ابن کمونه در کتب بزرگ او و موارد اختلاف و توافق آن با مندرجات این کتاب در مقالات بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

دکتر علی‌نقی منزوی

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

الأبحاث عن الممل الثلاث، ابن کمونه، عزالدوله سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، تصحیح، تعلیق و مقدمه نگاری علی نقی منزوی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، همایش بین المللی قرطبه و اصفهان، تهران، ۱۳۸۳خ. نک: تنقیح الأبحاث.

ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الممل الثلاث (۱) (۲) (۳)، علی نقی منزوی، (۱) مجله خاطرات وحید، سال ششم، خرداد ماه ۱۳۴۸، مه ۱۹۶۹، ربیع الاول ۱۳۸۹، شماره ۶۶، برگه ۳۶۹ - ۳۷۱؛ (۲) مجله خاطرات وحید، سال ششم، تیرماه ۱۳۴۸، می ۱۹۶۹، ربیع الاول ۱۳۸۹، شماره ۶۶، برگه ۵۰۳ - ۵۱۴؛ (۳) مجله خاطرات وحید، سال ششم، ۱۳۴۸، برگه ۱۰۷۹ - ۱۰۸۳. أخبار ملوک العجم، شاید سیر ملوک العجم ابن المقنع ایرانی (ک: ۱۴۲ق)؛ شاید تجارب الأمم فی أخبار ملوک العرب و العجم که ترجمه نهیة الارب فی أخبار الفرس و العرب؛ دیگر: تصحیح رضا انزابی نژاد، یحیی کلانتری، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۳خ.

ازلیت نفس، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، به کوشش لئون غوی، ۱۹۴۴م. اسطماخس که منسوب به ارسطو است، ابن ابی اصیبعه در عیون، برگردان ذاکر، ج ۱، ۲۱۴ آن را کتاب الاصطماخیس، نامیده است که ارسطو این کتاب را در هنگام رفتن به روم نوشت.

الاضحویة فی المعاد، ابوعلی ابن سینا، حسین (۳۷۰ - ۴۲۸ق)، تحقیق سلیمان دنیا، ۱۹۹۴. الافحام الیهود، کتاب ردّ علی الیهود، سمویل فرزند یحیی فرزند عباس مغربی (ز: ۵۷۰ق / ۱۱۷۵م). نک: عیون الأبناء فی طبقات الأطباء، برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۹۴.

الالتقاط عن کتاب الهيئة، ابن کمونه، منظور کتاب هیئت مؤیدالدین عروضی که صاحب ذریعه آنها را در خزانه غروی دیده است.

الالتقاط الاعتراضات، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نک: ذریعه، ج ۲، ۲۸۶، شماره ۱۱۶۱؛ الالتقاط عن کتاب الهيئة، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق)، نک: ذریعه، ج ۲، ۲۸۶، شماره ۱۱۶۰.

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

- انتخاب، تلخیص؛ یا نقد آن از خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ق) و انتخاب از ابن کمونه است.
- انتخاب تلخیص المحصل؛ یا انتخاب نقد المحصل، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نک: ذریعه، ج ۲، ۳۶۷، شماره ۱۴۴۴، گزینشی از کتاب المحصل فخر رازی (د: ۶۰۶ق) است.
- تجرد نفس، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، کتابخانه مجلس شورای ملی.
- تجرید؛ یا تجرید الاعتقاد؛ یا تجرید الکلام، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق)، همراه شرح علامه حلی (د: ۷۲۶ق) به نام کشف المراد، ۱۳۱۱خ؛ چاپ دیگر، تصحیح حسینی جلالی، مقدمه محقق، مکتبه الأعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
- تذکره کیمیا، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند حسن فرزند هبة الله (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م).
- تقریب المحجة و تهذیب الحجة في المسائل العقلية، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق)، درباره حوادث جامعه است. نک: ذریعه، ۲۶، ۲۲۴، شماره ۱۱۳۳.
- تنقیح الأبحاث في البحث عن الملل الثلاث أي الملة الإسلامية و النصرانية و اليهودية، نوشته عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، تصحیح و مقدمه علی‌نقی منزوی، سلسله همایش بین‌المللی قرطبه اصفهان دو مکتب فلسفی اسلامی در شرق و غرب، دانشگاه تهران، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳خ.
- تورات، پیامبر یهود، حضرت موسی (ص).
- چهار التقاط از آثار الباقية، الشمسية، قانون مسعودی، هیأت مؤیدالدین عروضی، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، خزانه غروی، نک: ذریعه.
- الحكمة الجديدة في المنطق، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، نسخه‌ای از آن نزد جمیل صدقی زهاوی در بغداد.
- حل إشکال ابن کمونه، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نک: ذریعه، ج ۵، ۹۲؛ ج ۷، ۶۴؛ ج ۱۱، ۱۵۳؛ ج ۱۳، ۱۳ و ۲۳؛ ج ۲۴، ۱۵، ۶۳ و ۲۵۳.

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

الحوادث الجامعة و التجارب النافعة في المائة السابعة، ابوالفضل کمال الدین، عبدالرزاق فرزند احمد فرزند محمد فرزند ابوالمعالی شیبانی (۶۴۲- ۷۲۳ق / ۱۲۴۴- ۱۳۲۳م)، با آوازه ابن فوطی و ابن صابونی، تصحیح مصطفی جواد، مكتبة العربية، بغداد؛ چاپ دیگر: تصحیح مهدی عبدالحسین نجم، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳؛ برگردان به پارسی عبدالمحمد آیتی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱خ.

الدّر المنضود في الردّ علی فیلسوف اليهود، ابن ساعاتی (د: ۶۹۴ق).

دلالة الحائرين ابن ميمون كتاب دلالة الحائرين، موسى فرزند ميمون قرطبي اندلسی (۵۳۰- ۶۰۳ / ۱۱۳۵- ۱۲۰۵م)، تصحیح حسين اتای، استانبول، ۱۹۷۴م؛ چاپ دیگر: مصر، مكتبة الثقافة الدينية، قاهره.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني، الأسارى و الغلول - ايوان مدائن، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الغرى، نجف، عراق، ۱۳۱۵خ / ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع، التخاطب - التيمية، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰خ / ۱۳۶۰ق / ۱۹۴۱م.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس، ثابتنامه - چینی سازی، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علی نقی منزوی، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۲۳خ / ۱۳۶۳ق / ۱۹۴۴م.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس، الحائريات - حزن المؤمنین، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵خ / ۱۳۶۵ق / ۱۹۴۶م.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خيمه شببازی، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۷خ / ۱۳۶۷ق / ۱۹۴۸م.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثامن، دائره - دیو، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۹خ / ۱۳۶۹ق / ۱۹۵۰م.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي عشر، رساله آب حیات - الزائريه، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵خ / ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م.

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني عشر، الزائريه - سیه کاران، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ خ / ۱۳۸۰۶ ق / ۱۹۶۲ م.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث عشر، شاپور و شهناز - شرح قصیده ابن سینا العینی، آقابزرگ تهرانی، مطبعة القضاء، نجف، عراق، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس عشر، غارات - قائد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع عشر، قائد القوات العلوية - الکسوف و الخسوف، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثامن عشر، كشف - لیلی و مجنون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي و العشرون، المستبين - المقالة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۱ خ / ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس و العشرون، ذیل الذريعة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد اشکوری حسینی، آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۸ خ.
- کتاب الردّ علی اليهود، سمویل فرزند یحیی فرزند عباس مغربی (ز: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۵ م). عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۹۴.
- شبهة الاستلزام لابن کمونه، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ ق). نک: ذریعه، ج ۶، ۱۰۵ و ۳۸۱؛ ج ۷، ۱۳ و ۷۶.
- شرح اشارات شیخ الرئیس ابوعلی، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ ق).

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

شرح شرح الاشارات و التنبیہات ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی.

شرح الاصول و الجمل من مهمات العلم و العمل، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نک: ذریعه، ج ۱۳، ۹۳، شماره ۳۰۱.

شرح تجرید الإعتقاد، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق)، به نام کشف المراد، علامه حلی (د: ۷۲۶ق)، تصحیح و ترجمه ابوالحسن شعرانی، ۱۳۵۱خ.

شرح تلویحات سهروردی ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق)، کتابخانه مجلس شورای ملی و در دانشکده الهیات.

طلسمات، مانند: طمطم و الشراف و درج الفلك که منسوب است به ارسطو.

فرائض القلوب، یحیی اندلسی، بَحْیَا (بَحْیَة) فرزند یوسف فرزند یاقودا (تألیف: ۵۵۵ - ۵۵۶ق / ۱۱۶۰ - ۱۱۶۱م)، تصحیح ابراهیم سالم فرزند یهودا، لیدن، ۱۹۱۲؛ چاپ دیگر: تصحیح ا. زیفرونی، بیت المقدس، ۱۹۲۸.

الفلاحة النبطية، الفلاحة الكبير و الصغير، تألیف ابن وحشیه کلدانی، ابوبکر احمد فرزند علی فرزند قیس مختار فرزند عبدالکریم فرزند جرثیا فرزند بدنیا فرزند برطانیا فذزند علاطیا کسدانی صوفی (سده ۵هـ).

فلسفه ابن کمونه، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نک: ذریعه، ج ۱۶، ۳۰۴، شماره ۱۳۵۰.

فوائد پراکنده و مغالطات و شبهات منطقی، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د: ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، کتابخانه مجلس شورای ملی و دیگر کتابخانهها. نک: ذریعه، ج ۱۶، ۳۱۷، شماره ۱۴۷۸.

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱ و ج ۲، یوسف اعتصامی، اعتصام الملک، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱خ.

رسالة في الكلام، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نک: ذریعه، ج ۱۸، ۱۰۵، شماره ۹۰۳؛

رسالة في بقاء النفس و أبدیتها، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق)، نک: ذریعه، ج ۱۱، ۱۳۱، شماره ۸۱۵.

مقالة في النفس، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نک: ذریعه، ج ۲۱، ۴۰۵، ۵۷۰۹؛

قرآن، پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص).

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث

قصاید سبع، معلقات السبع.

الکاشف فی الحکمة الجديدة، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق)؛ الکاشف، ابن کمونه (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، نسخ آن در مجلس شورای ملی و کتابخانه مرکزی دانشگاه.

کتاب الکبر، اسحاق صابی.

کشف المراد، علامه حلی (د: ۷۲۶ق)، شرح تجرید الاعتقاد، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق)، تصحیح و ترجمه ابوالحسن شعرانی، ۱۳۵۱خ.

لباب المنطق، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نک: ذریعه، ج ۴، ۴۲۴.

اللمعة الجوينية، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، کتابخانه مجلس شورای ملی و دانشگاه تهران.

اللمعة فی الحکمة همان اللمعة الجوينية فی الحکمة، ابن کمونه عزالدوله سعد فرزند منصور (د: ۶۸۳ق). نسخه دستنویس ابن کمونه در کتابخانه الغروية در نجف، دارای تاریخ پایان تألیف و رونویسی ۶۷۹ق. نک: ذریعه، ج ۸، ۸۸؛ ج ۱۸، ۳۵۱، شماره ۴۳۸.

مجله خاطرات وحید، سال ششم، اردیبهشتماه ۱۳۴۸، آپریل ۱۹۶۹، صفر ۱۳۸۹، شماره ۶۵، برگه ۳۶۹ - ۳۷۱، ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث (۱)، علی نقی منزوی.

مجله خاطرات وحید، سال ششم، خردادماه ۱۳۴۸، می ۱۹۶۹، ربیع الاول ۱۳۸۹، شماره ۶۶، برگه ۵۰۳ - ۵۱۴، ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن الملل الثلاث (۲)، علی نقی منزوی.

مجله خاطرات وحید، سال ششم، آذرماه ۱۳۴۸، نوامبر ۱۹۶۹، رمضان ۱۳۸۹، شماره ۷۲ برگه ۱۰۷۹ - ۱۰۸۳، من مطبوعات جامعة کالیفرنیا، ۱۱۹ برگه + ۱۲ برگه، عنی بنشره موسی پرلمان، ابن کمونه و کتاب تنقیح الأبحاث (۳)، علی نقی منزوی.

مجله المكتبة بغداد، ج ۳، ش ۲، سال ۱۹۶۴.

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

- المحصل، امام فخر رازی ابو عبدالله محمد فرزند عمر فرزند حسین فرزند حسن طبرستانی (۵۴۴ - ۶۰۶ ق / ۱۱۴۹ - ۱۲۱۰ م)، تصحیح حسین اتای، دارالتراث، قاهره، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱.
- المطالب المهمة من علم الحكمة، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ ق / ۱۲۸۴ م)، درباره حوادث جامعه، کتابخانه آستان قدس مشهد. نک: ذریعه، ج ۲۱، ۱۴۰، شماره ۴۳۲۷.
- کتاب المعالم في اصول الدين، امام فخر رازی، ابو عبدالله محمد فرزند عمر فرزند حسین فرزند حسن تيممي بکري طبرستانی رازی (۵۴۴ - ۶۰۶ ق / ۱۱۴۹ - ۱۲۱۰ م).
- معتقدات مسیحیان، يحيى بن سعدی.
- معلقات السبع، قصاد سبوع.
- ملتقطات سعد بن منصور، با آواز ابن کمونه، برداشت از سخنان خواجه نصیرالدين طوسی (د: ۶۷۲ ق). نک: ذریعه، ج ۲۱، ۱۹۵، ۶۶۶۹.
- کتاب منازل الکوفه، ابن الکوفی.
- نهوض حثيث النهود الى خوض خبيث اليهود، در رد ابن کمونه، ماردینی، زين الدين سريح ملطی مصری (د: ۷۸۸ ق).

References

1. [ign. Guidi] *Catalogo dei codici orientali della Biblioteca Angelica di Roma (Florence: 1878)* / PP. 64-66.
2. A. Neubauer, *catalogue of the Hebrew munscripts in the Bodleian Library (oxford: 1886)* / Col. 423 F, No. 1281.
3. In *Monatsschrift fuer Geschichte und Wissenschaft des Judentums*, vol 69 (1905), p. p. 295-311
4. M. SteinSchneider *Verzeichniss der Hebraeischen Handschriften der K. Bibliothek Zu Berlin (Berlin: 1897)*, I, 74-77. The library of A. S. Yahuda had a copy made from this MS.

۳) ابن کمونه و کتاب الأبحاث عن
الملل الثلاث

۳۲

5. *Proceedings of American academy for. Jewish resear. VOL. XXXII Ed. M. Perlmann (New york : 1964).*
6. *Sa' d B. mansur Ibn Kammuna und sein Polemische schrift (Berlin : 1893).*
7. *Steinschneider, Moritz, 1816 - 1907.*
8. *Steinschneider, Arabische Uebersetzung aus dem Griechischen, See index S.V. Saad , also his Die arabische literature der Juden (furt Frank: 1902) , P. 178.*

دکتر علی نقی
مسنزوی